

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسی • مشاوران: عباس عبدی و احمد زیدآبادی • سردبیر: محمد جواد روح • سردبیر آنلاین: افشین امیرشاهی • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیران گروه‌ها: فرزانه پهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل) • علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الهه ابراهیمی (خبر) • آرش خاموشی (عکس) • هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • شبنم رحمتی (معاون آنلاین) • مدیر هنری: مهدی قربانی تبار • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی • مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری • تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۵۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸، لیتوگرافی و چاپ: هم‌مین • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲

چگونه در شبکه‌های اجتماعی بحث کنیم؟



جواد حیدری
پژوهشگر و مترجم

این مطلب برگرفته از نویسنده‌ی جدی و خوشنام بنام لوتیس وون است که در فکر انتقادی و نظریه‌های اخلاقی تخصص دارد. وون در کتاب بسیار تأمل‌برانگیزش به‌نام «فلسفه‌نگاری: راهنمای دانشجویان برای خواندن و نوشتن جستارهای فلسفی»، مطلب مهمی را درباره‌ی چگونگی بحث در شبکه‌های اجتماعی و آنلاین مطرح می‌کند.

فرض کنید که شما می‌خواهید در شبکه‌های اجتماعی درباره‌ی موضوع سیاسی یا اخلاقی یا فلسفی مهمی وارد بحث جدی، صادقانه و سازنده شوید. شما قصد دارید در یک مباحثه‌ی واقعی مشارکت کنید و از بحث‌های بی‌فایده‌ای که وقت و انرژی شما را هدر می‌دهند، اجتناب کنید. چگونه این کار را باید انجام دهید؟ به این شیوه:

۱ قبل از هر چیز، از کسانی که فکر می‌کنید فقط می‌خواهند برتری خودشان را به رخ بکشند، جلب توجه و خودنمایی کنند، خود را آرام کنند، خشم خودشان را بر سر شما خالی کنند، یا شما را عصبانی و تحریک کنند، دوری کنید. اگر در نیمه‌راه بحث متوجه شدید که طرف مقابل شما علاقه‌ای به بحث عقلانی ندارد، خداحافظی کنید و خود را کنار بکشید. به سمت گفت‌وگوهای بی‌بهره که در آن مباحث محترمانه و هوشمندانه رایج است.

۲ فقط روی استدلال متمرکز شوید. شکل استدلال یا صدق مقدمات طرف مقابل‌تان را نقد کنید و اصلاً به شخصیت او کار نداشته باشید. از شخصی کردن بحث اجتناب کنید و عواطف خود را وارد بحث نکنید و بحث بی‌ربط به موضوع را طرح نکنید.

۳ سعی کنید دیدگاه طرف مقابل را خیلی خوب فهم کنید. با این کار مجال ارائه‌ی بحث خوب را افزایش می‌دهید و چیزهایی را که نمی‌دانستید، یاد می‌گیرید و با نشان دادن همدلی خود بحث را آرام می‌کنید. با ارج نهادن به ایرادات طرف مقابل‌تان می‌توانید استدلال خودتان را قوی‌تر کنید و نشان دهید که در بحث جدی و منصف هستید.

۴ به طرف مقابل‌تان در بحث احترام بگذارید. حرف‌های او را با دقت بخوانید و گوش فرادهید. در مورد انگیزه‌های او، ارزش‌های او یا پیشینه‌ی او بدترین حالت را متصور نشوید. تنها بر مبنای گرایش‌ها و تمایلات سیاسی به طرف مقابل‌تان برچسب نزنید. از اظهار نظرهای رکیک، تمسخرآمیز، فحاشانه و توهین‌آمیز اجتناب کنید.

۵ محل نزاع را عوض نکنید؛ با طرح موضوعات جانبی بی‌ربط یا با عیب‌جویی بحث را منحرف نکنید. با اشاره به اشکالات گرامری طرف مقابل‌تان یا بر شمردن خطاهای تایپی و املائی او اصلاً بحث پیش نخواهد رفت و احتمالاً مهر خاتمه خواهید زد بر هر گونه شناس بحث عقلانی.

۶ احساسات خود را مهار کنید. اگر خشمگین یا مضطرب یا عصبانی هستید، نمی‌توانید آن‌طور که باید واضح فکر کنید، ممکن است به‌جای اقامه‌ی استدلال قوی و محکم، شروع کنید به ناسزا گفتن و احتمالاً طرف مقابل‌تان هم به همین شیوه به شما پاسخ خواهد داد.

۷ بدانید که در مورد چه چیزی صحبت می‌کنید. فرض کنید که با کسی درباره‌ی یک موضوعی بحث می‌کنید. در گرماگرم بحث متوجه می‌شوید که از واقعیتی بی‌خبر هستید. اما همچنان اصرار می‌ورزید که بر حق هستید، چون برای شما بسیار عذاب‌آور است حق قبول کنید، درباره‌ی آن موضوع یکسری نکات را نمی‌دانستید. این وضعیت اتلاف وقت است. بهتر است قبل از اینکه وارد بحث و مناظره شوید از واقعیات باخبر شوید. از قبل در مورد موضوع تحقیق کنید و از استدلال‌های له و علیه موضع مورد بحث مطلع شوید.

۸ قبل از اینکه بخواهید وارد بحث جدی در یک پلتفرم شبکه‌ی اجتماعی یا کاراکتر محدود مانند توئیتر شوید دوباره فکر کنید. محدودیت کاراکتر توئیتر بحث درباره‌ی موضوعات پیچیده و طولانی را دشوار یا بی‌فایده می‌کند.



بازنشستگی سوباسا

کارتونی که بسیاری را فوتبالیست کرده بود پایان یافت

در دهه ۷۰ خورشیدی به فارسی دوبله و تحت نام کارتون «فوتبالیست‌ها» از تلویزیون ایران برای مخاطبان فارسی‌زبان پخش شد.



سپهر خرمی
خبرنگار گروه ورزش

چرا فوتبالیست‌ها ساخته شد؟

داستان کارتونی فوتبالیست‌ها یا همان سوباسا، به‌شکل جذابی آغاز می‌شود. سوباسا که فقط یکسال داشته، در حال فوتبال بازی کردن در خیابان بوده که یک اتوبوس به سمت او می‌آید. باتوجه به اینکه سوباسا توپ فوتبال را بغل کرده بود، مانع از آسیب جدی او از این تصادف هولناک می‌شود. سوباسا به‌مرور به‌سمت فوتبالیست شدن حرفه‌ای می‌رود و همیشه به مادرش می‌گوید، یکی از رویاهای اصلی او قهرمان شدن با تیم ملی‌زاین در جام جهانی است. بازیکنی که هنوز وارد تیمی حرفه‌ای نشده است. در ایران، تیم فوتبالیست‌ها به اسم «شاهین» و تیم رقیب و قدرتمند مقابل سوباسا، به‌نام «عقاب» بود. نام‌هایی بومی که در دوبله فارسی نیز بسیار محبوب شده بود. فدراسیون فوتبال‌زاین نیز از ادامه ساخت این سریال حمایت کرد، چراکه هدف این بود که مردم کشور‌زاین علاوه بر تکنوانو، کاراته و سایر ورزش‌های رزمی به سمت فوتبال نیز سوق داده شوند. مدیران فوتبالی‌زاین این عقیده را داشتند که قرار است فوتبال به زودی تبدیل به یک صنعت شود و هدف‌شان صرفاً حضور در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه است که محقق هم شد. طرح زیبایی لباس تیم ملی‌زاین نیز مشابه لباس‌هایی بود که یاران سوباسا در جام جهانی پوشیده بودند.

رکوردهایی که شکسته شد

سریال انیمیشنی فوتبالیست‌ها به‌حدی محبوب شد که حتی روی ادبیات فوتبالی‌رؤسای فدراسیون فوتبال این کشور نیز تأثیر داشت. رئیس فدراسیون فوتبال‌زاین پیش‌تر تیشرت گرفته بود همان‌طور که در سریال فوتبالیست‌ها دیدیم، قصد داریم در جام جهانی ۲۰۵۰ به مقام قهرمانی برسیم و این هدف را دنبال می‌کنیم. خالق شخصیت سوباسا گفته، سوباسا قرار است در قسمت‌های بعدی که هنوز ساخته نشده در جام جهانی و المپیک نیز به میدان برود. مقامات توکیو پیش‌تر در سال ۲۰۱۳ مجسمه بزرگی سوباسا را در نزدیکی منزل خالق این سریال نصب کرده بودند. در اغلب نظرسنجی‌های انجام‌گرفته در‌زاین، «کاپیتان سوباسا» و مجموعه تلویزیونی اقتباس‌شده از آن، در میان ۵۰ انیمیشن برتر قرار گرفته است. گفتنی است تنها از شکل چاپی مانگاهای کاپیتان سوباسا تا امروز ۷۰ میلیون نسخه ساخته شده و در کشورهای دیگر نیز ۱۰ میلیون نسخه به فروش رفته است.

سوباسا و چشم‌انداز ۲۵ ساله

گفته چون نیم کردار نیست و مهمتر از آن، بی‌مایه فطیر است. دست به کار شدند و به‌جای آنکه با شعرهای شان گوش فلک را کر کنند و برای عالم و آدم نسخه ببینند، عقل‌های شان را روی هم ریختند و هدفگذاری کردند و شد آن‌چه شده است. مسی نابغه هم می‌گوید، من تحت‌تأثیر این کار قرار گرفته‌ام. تبلیغ از این بالاتر و رستار و واقعاً حسرت خوردم. به کسی بر نخورد. حتماً ماینز تقلاهایی کرده‌ایم. حتماً بسیاری، آرزوهای بهتر از این هم برای ما داشته‌اند. باور کنید اما با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود. سال دیگر این موقع موعد سند چشم‌انداز ۲۰ساله ما فراموشی رسد و واقعاً باید گفت، دست ما کوتاه و خرما بر نخیل. سرتان را در در نیاروم. توسعه هم پروژه است، هم پرسوه. ما آنقدر گفتیم پرسوه است که اصلاً وصل و فرعی را فراموش کردیم. همین‌زاینی‌های دهه ۱۹۹۰ شایدمی‌توانستند هم‌وارد معناداری با آمریکا در حوزه اقتصاد هم داشته باشند. حد خودشان و مهمتر از آن اهداف‌شان را، اما درست تشخیص دادند و فهمیدند بهتر است به جای داد و قال، فکر کنند و عمل و ببینند سودشان در چیست: هم‌واردی با پیشرفت؟ کله گرفتن با زمین و زمان یا...؟ بگذریم. برای ما مانده است مشتکی، بعد از کلی هیاهو بر سر هیچ. به‌قول علی صاحب‌کاز: «دست از وصل آرزو کوتاه مانده / از تیر تا بهمن دو پاکت راه مانده / آن کاروان دیگر نمی‌خواهد بیاید / انگار یوسف در دل این چاه مانده».

فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

انتشار خبر پایان داستان‌های مصور «فوتبالیست‌ها»، حس‌های متفاوتی را در من برانگیخت. جدا از حس غریب نوستالژیکی که با مرور خاطرات کودکی و تمام آن مشابه‌سازی‌هایی که با این کارتون در نسل ما دهه شصتی‌ها برانگیخته می‌شد، به‌من دست داد، غمی نیز وجودم را فراگرفت. دلیلش هم ساده است. به این فکر کردم که چه می‌شود ما نیز پروژه‌ای شبیه «فوتبالیست‌ها» طراحی می‌کردیم، با دقت آن را می‌سنجیدیم، با وسواس آن را پیاده می‌کردیم و بعد سرخوشانه شاهد به‌بار نشستن نتایج آن می‌نشستیم؟ می‌دانیم که‌زاینی‌ها با هدف مشخص ارتقای وضعیت فوتبال کشورشان به این پروژه روی آوردند و در عرض کمتر از نیم‌قرن نیز پیامدهای شیرین آن را مزه‌مزه کردند. مردم این کشور به این ورزش فوق محبوب در جهان گرایش پیدا کردند و تیم ملی کشورشان در عرض ۲۰ سال، چهار بار قهرمان آسیا شد. در جام جهانی هم درخشیدند و میزبانی جهانی این مسابقات را هم کسب کردند و بدل شدند به پرافتخارترین تیم آسیایی در جهان. برآوردشان این بود که نمی‌شود که کشوری در سطح اول اقتصاد و تکنولوژی جهان بدرخشد، اما در میدان فوتبال دستش تهی باشد؟ با این همه‌زاینی‌های سخت‌کوش به‌درستی می‌دانستند که دود

چهره

آواز خوانی با تمبر صوتی مختص خود



سید نورالدین رضوی سروسناتی در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۱۴ خورشیدی در سروسنات در ۸۰ کیلومتری شیراز، در جنوب شرقی استان فارس به دنیا آمد. سروسناتی یادگیری موسیقی را به‌صورت جدی از ۲۰ سالگی در شیراز نزد استاد مشیر معظم افشار آغاز کرد و چندی نگذشت که پیشرفت حاصله موجب شهرت این هنرمند جوان در میان

موسیقی‌دوستان شیراز آن‌زمان شد. سید نورالدین رضوی سروسناتی، نخستین حضورش به‌عنوان خواننده را در رسانه مطرح آن زمان؛ رادیو، تجربه کرد و در سال ۱۳۳۷ برای نخستین بار صدایش از رادیو شیراز به گوش مردم رسید. دانش و تبحر او در آوازهای آوازی پیشگامان موسیقی سنتی ایران، این هنرمند را به آواز خوانی تبدیل کرد که در کنار علاقه‌مندی به سنت و درعین حال ابداع تحریرهای متفاوت، در پی بر جای گذاشتن تمبر صوتی مختص خود در آواز ایرانی بود. این استاد آواز در طول فعالیت هنری خود تلاش‌های بسیاری را در زمینه حفظ و اعتلای شیوه آوازی قدما موسیقی سنتی ایران و انتقال آن به نسل بعد انجام داد، اما به‌دلیل مهاجرت و دوری از رسانه‌ها، آن‌گونه که باید، دیده نشد. این هنرمند صاحب‌سبک، هشتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۹ درگذشت و در حافظیه شیراز در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد.

کتابخانه

تصویری کلی از روند یک مناقشه

کتاب «غانله هایدگر»، نوشته ریچارد ولین، با ترجمه فرهاد سلیمان‌نژاد در ۳۲۸ صفحه با قیمت ۳۸۰ هزار تومان توسط نشر سرنو منتشر شد. غانله هایدگر به مناقشه پرشور و مجادله‌انگیزی اطلاق می‌شود که از دهه ۱۹۵۰ بر سر حمایت مارتین هایدگر از رژیم هیتلر در گرفت و تا امروز ادامه یافته است و احتمالاً تا آینده‌ای نامعلوم ادامه خواهد یافت. صرف‌نظر از جایگاه هایدگر در تاریخ فلسفه که عده‌ای آن را با جایگاه افلاطون، ارسطو، کانت و هگل هم‌تراز دانسته‌اند، اهمیت غانله هایدگر به وزن و اعتبار علمی بالای کسانی بازمی‌گردد که در آن حضور داشته‌اند. یورگن هابرماس، هانس گئورگ گادامر، کارل لویوت، هربرت مارکوزه، هانا



غانله هایدگر
نویسنده:
ریچارد ولین
مترجم: فرهاد سلیمان‌نژاد
انتشارات: نشر سرنو

آرنت، تئودور آدرنو و هانس یوناس تنها فهرست کوتاهی از اسامی این چهره‌هاست. ویراستار کتاب حاضر، ریچارد ولین که خود به اعتبار نگارش آثار متعددی همچون سیاست هستی: اندیشه سیاسی مارتین هایدگر در دهه ۱۹۹۰ از چهره‌های متأخر حاضر در غانله هایدگر است، تصویری کلی از روند این مناقشه به دست داده است.

تاریخ

ترور ناکام محمدرضا پهلوی



محمدرضا پهلوی دو بار هدف سوءقصد قرار گرفت. هر دو ترور، البته ناکام ماندند. ترور اول در سال ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران انجام شد. بار دوم اما در ۲۱ فروردین ماه ۱۳۴۴ و

در کاخ مرمر این سانحه به دست سرریازی به‌نام رضا شمس‌آبادی، اهل کاشان انجام گرفت. ضارب در خانواده‌ای مذهبی و فقیر به دنیا آمده و در سال ۱۳۳۹ به عضویت حزب مردم ایران از احزاب وابسته به جبهه ملی درآمد بود. بعد از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۴ و ترور موفق حسعلی منصور در سال ۱۳۴۴، به‌وسیله محمد بخارایی و یارانش در هیئت‌های مولفه اسلامی، شمس‌آبادی تحت‌تأثیر این عمل، فکر ترور محمدرضا‌شاه را در سر پروراند. به‌همین خاطر داوطلبانه به سربازی رفت و پس از مدتی از محافظان گارد سلطنتی شد. او محمدرضا را هنگامی که از اتومبیل در مقابل سرسرای کاخ پیاده شد، به رگبار مسلسل بست. شاه سریع خود را به داخل ساختمان رساند اما ۲ نفر از درجه‌داران محافظ او کشته شدند. خود شمس‌آبادی نیز با گلوله در جبهه‌ی به‌نام گروه‌بان ساری‌اصلائی، کشته شد.